

پاسخی به سؤال کلیدی رهبر معظم انقلاب

رمز ماندگاری انقلاب چیست؟

تحلیل

دکتر حسین علی رمضانی



عکس نقاشی مرزبانان جوان

شکل‌گیری، ثبات و دوام هر جریان و حرکتی، بستگی به یک اصل اساسی دارد و آن، وحدت و انسجام درونی است. وجود مؤلفه‌های وحدت‌بخش و به حداقل رساندن عوامل اختلاف‌زا که موجب شکاف بین اجزای سیستمی می‌شوند، می‌تواند بر بقا و دوام جریان بیفزاید. در تعریف منطقی از نهضت و جریان سیستم و سامانه انقلاب اسلامی در ذات و جوهره خویش، بر حرکت و تغییر به سوی کمال توجه داشته و ایستایی بر وضع موجود را رد می‌کند. اسلامی بودن انقلاب نیز نشان از «إِنِّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (عمران/۱۹) دارد. حقیقت دین اسلام در دایره زمان و مکان نمی‌گنجد. اسلام با تأکید بر وحدت و اعتصام به حبل‌متین و وضع حد حضرت رسول(ص) و دعوت به کوثر وحدت و گذر از اَلْهَيْكَمُ التَّكَاثُرُ؛ انسان‌ها را برای زیست بهتر در کنار هم دعوت می‌کند.

■ ■ ■

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی در دیدار ۱۹ دی ۹۴ با مردم ضمن مقایسه انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلاب‌ها و بر برخی حوادث و نهضت‌های پیشین کشور خودمان و در تبیین این مسئله فرمودند: «چرا نهضت مشروطیت با آن درخواست حقایق محدود شدن قدرت مطلقه نتوانست و طاقت نیاورد بماند اما انقلاب اسلامی با این درخواست حداکثری و مطالبه حداکثری که ریشه‌کنی سلطنت و رژیم پادشاهی در کشور بود، موفق شد و ماند؟ اینجا تحلیل لازم دارد. تحلیل را شما جوان‌ها بروید بکنید، برای من روشن است؛ جوان‌ها بروند تحلیل کنند، بنشینند، فکر کنند و ببینند که اینجا چه چیزی نقش آفرینی کرد؟ کدام عنصر تأثیر گذاشت که آن نهضت‌ها نتواند باقی بماند و نتواند به نتایج نهایی خودش برسد اما این انقلاب توانست قدرتمندانه بایستد؟ علت چه بود؟ اینجا را بنشینند جوان‌های ما تحلیل کنند.»

گرچه بحث پیرامون رمز ماندگاری انقلاب که مورد مطالبه رهبر انقلاب از جوانان بود کمتر مورد بررسی قرار گرفت اما با تأملی در نظام اندیشه رهبر انقلاب و بیانات ایشان، می‌توان برخی از دلایل این موضوع را برشمرد. انقلاب پر شکوه و مقدس جمهوری اسلامی ایران، پس از نمود و ریشه انقلاب از جوانان بود کمتر مورد بررسی قرار گرفت اما با تأملی در نظام اندیشه رهبر انقلاب و بیانات ایشان، می‌توان برخی از دلایل این موضوع را برشمرد.

انقلاب پر شکوه و مقدس جمهوری اسلامی ایران، پس از نمود و ریشه انقلاب از جوانان بود کمتر مورد بررسی قرار گرفت اما با تأملی در نظام اندیشه رهبر انقلاب و بیانات ایشان، می‌توان برخی از دلایل این موضوع را برشمرد.

■ **تمسک به اسلام**

اسلام‌خواهی، مهم‌ترین و ساده‌ترین تمایز انقلاب اسلامی با سایر انقلاب‌های بزرگ سده‌های اخیر است. مطالبه اسلام و مکتبی بودن، دزدی فراتر از مطالبات مادی برای مردم انقلابی و کشور ایجاد نموده تا از رهگذر دشواری‌ها؛ به اصل و ریشه انقلاب خلل و آسیبیی وارد نکرد. این اسلام‌خواهی را رهبر انقلاب از جمله رموز و علل اصلی بقا و دوام انقلاب برمی‌شمرد: «رمز قدرت جمهوری اسلامی اسلام‌خواهی است. رمز اینکه امروز نتوانسته‌اند ضربه قاطعی بر جمهوری اسلامی وارد کنند، همین است. فشار ایجاد کردند، خبالت کردند، ایذا کردند، کارهای

ناجوانمردانه انجام دادند، حتی فعالیت‌های تروریستی در داخل کشور را سازماندهی کردند، از تروریست‌هایی که علیه جمهوری اسلامی فعالیت می‌کردند، با زبان، عمل و با سکوت رضایت‌آمیز حمایت کردند، آن واقعه ددمنشانه را در مشهد به وجود آوردند و دولت‌های مدعی حقوق بشر و مخالف با تروریسم، کلمه‌ای در محکومیت آن سخن نگفتند. وضعیت این دولت‌ها چنین است. با همه اینها، جمهوری اسلامی به فضل پروردگار با قدرت و سربلندی، در سطح عالم راه افتخارآمیز خود را ادامه می‌دهد. رمز قدرت ما تمسک به اسلام است. ... اسلام و عمل به قرآن و پایبندی به این دو، رمز بقای نظام اسلامی و اقتدار آن است.»

این اسلام‌خواهی که آن را می‌توان مهم‌ترین دلیل برای ماندگاری انقلاب دانست، در نگاه رهبری همان رمزی است که انقلاب ایران را توانست به پیروزی برساند: «آن عاملی که انقلاب را به پیروزی رساند، همان عامل، انقلاب را تداوم خواهد داد. یعنی انکا به خدا و ایمان مردم به اسلام و تصمیم قاطع بر انجام وظیفه الهی و اسلامی و وحدت کلمه، رمز پیروزی و تداوم انقلاب است.»

■ **اعتماد مردم به نظام**

جریان دگردیسی و جابه‌جا شدن ارزش‌ها و طرح شبهات مبنایی از اسلام، انقلاب و جنگ (راهبردها، تاکتیک‌ها و تکنیک‌ها) از آن جمله آسیب‌های درونی است که اگر به موقع و به درستی در مقابل این نوع جریانات برخورد و پاسخی منطقی و عقلانی که منجر به افق‌ان و همراهسازی بدنه و احاد جامعه نگردد، نهایت امر به از هم گسیختگی ذهنی و جابه‌جایی دستگاه محاسباتی افراد جامعه می‌گردد. برآیند تصمیم احاد جامعه در خصوص انتخاب افراد و قرار گرفتن آنها در مناصب حکومتی، تابعی از ثبات یا تعارضات ذهنی افراد جامعه است. هر چه میزان ثبات ذهنی بالا باشد، انتخاب نیز در‌ست‌تر خواهد بود.

عدم اعتماد بین اجزای مختلف یک سیستم عامل اساسی

فروپاشی، افول و فئای آن سیستم محسوب می‌شود و جریان انقلاب اسلامی با ایجاد اعتماد حول مؤلفه‌های وحدت‌آفرین موجب دوام و بقای آن شده است. اعتماد اجزای سیستم مانند چسبی عمل می‌کند که اجزا هر چه بیشتر به هم نزدیک شوند، هم‌راستا شدن توان اجزای انقلاب، موجب سر‌عت گرفتن به سوی هدف انقلاب و اسلام خواهد شد. جنگ به مثابه گنجی می‌ماند که تمام اجزای سیستم را هم‌راستا کرده بود. رهبر انقلاب اهمیت اعتماد درمی‌در تقویت و بقای انقلاب را این‌گونه توصیف می‌نمایند: «اعتماد مردم و علاقه مردم به نظام جمهوری اسلامی، پیوند مردم با نظام جمهوری اسلامی؛ چیز خیلی مهمی است. وقتی شما در صحنه حاضر می‌شوید، هم نشان می‌دهید که به نظام جمهوری اسلامی که دلبسته‌اید؛ هم نشان می‌دهید که ملت ایران یک ملت زنده است، پای کار است، مصمم است، عازم است؛ این را نشان می‌دهید. هر دوی اینها برای کشور دارای ارزش زیادی است، البته هر کدام آهم ازیر مجموعه‌هایی دارد؛ فواید بیشتری هم دارد. هر چه این حضور بیشتر باشد، هر چه این انضباطی که بجمدالله در بین مردم وجود دارد بیشتر باشد، آبروی ملت ایران و احترام ملت ایران در پیش چشم ناظران جهانی بیشتر است.»

■ **اتحاد و همبستگی**

پایه و مبنای انقلاب بر اتحاد مردم استوار بود. انقلاب با حرکت خروشان مردم و با رهبری داهیان امام راحل(ره) صورت گرفته بود و دوام این حرکت و جریان نیز تنها با حضور و وحدت مردم ممکن خواهد بود. در صحنه بودن مردم یکی دیگر از رموز ماندگاری انقلاب فرض می‌شود. یک مسئله، مسئله تأثیر انسجام و اتحاد ملی است در موفقیت؛ این بسیار چیز مهمی است. انسجام ملی را باید حفظ کرد، اتحاد ملی را باید حفظ کرد. مشترکات را بابستگی همواره در نظر داشت. این منافاتی ندارد با اینکه یک مخالفی هم در یک بخشی – که مخالف با فلان سیاست یا با فلان برنامه دارد- مخالف خودش را ابراز کند؛ هیچ منافاتی ندارد اما به معنای این نباید باشد که در زمینه مسائل کلان و اساسی کشور، کشمکش و بگو‌مگو هست. ما این انسجام و اتحاد و تأثیرش را در طول این قریب ۴۰ سال آزموده‌ایم... مردم را به دو دسته نباید تقسیم کرد.»

■ **رهبری و ولایت فقیه**

بی‌شک یکی از وجوه تمایز انقلاب اسلامی ما با انقلاب‌های مهم سایر کشورها برخورداری از رهبرانی متفکر، باسواد و استراتژیست بوده است که در بطن تفکر اسلامی و ذیل شریعت با عنوان حاکم و ولی فقیه شرایط و منصب حکومت را احراز نموده‌اند نه آن که به واسطه قدرت یا استیلا هدایت جامعه را به دست گیرند. قطعاً جریانات و جنبش‌ها اگر در یک راستا هدایت و راهبری نشوند، موجب هدر رفتن انرژی و توان اجزای یک سیستم خواهد شد. «ولایت فقیه» آن عامل هم‌راستا کردن جریانات انقلابی بوده و هست. نعمت ولایت عامل اساسی و بنیادی در ایجاد وحدت بین احاد جامعه است. ولایت از الله شروع شده و در سلسله مراتب به اولی‌الامر منکم رسیده و سکاندار سفینه انقلاب اسلامی امروزه امام خامنه‌ای عزیز است ولی و امامی که با راهبری مدیرانه خویش، کشتی انقلاب را از گردنه‌ها، پیچ‌ها، امواج سهمگین، صخره‌های سخت و... به سلامت عبور داده است. رمز ماندگاری انقلاب در رویکردهای ولایت در انسجام‌بخشی، ایجاد اعتماد ملی و باور به توان درونی و نشان دادن چهره واقعی عود، امکان‌پذیر گردید. در فرمایش رهبری از حکومت اسلامی و ولایت فقیه به عنوان عامل مصونیت‌بخشی انقلاب نام برده شده است: چیزی که جامعه اسلامی را مصونیت می‌بخشد، «حکومت اسلامی» است، یعنی حاکمیت اسلام. هنر بزرگ امام این بوده است که حاکمیت اسلام را در اینجا مطرح کردند.

اندیشه

■ **امر به معروف و نهی از منکر**

امر به معروف و نهی از منکر نیز موجب ایجاد انسجام و وحدت اجزای سیستم یا یکدیگر می‌شود. انقلاب اسلامی نیز با حیات حکم الهی امر به معروف و نهی از منکر، در عرصه‌های مختلف بقا و دوام خویش را رقم زده است. روشنگری، تبلیغ، بیان حق و مقابله با فساد در هر حوزه در ذیل این حکم تعریف می‌شود. مردم نسبت به هم و نسبت به مسئولان احساس تکلیف کرده‌ود در هر کجا لازم بود، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند. احیای احکامی چون روزه، نماز جمعه و جماعات، خمس و زکات، حج، جهاد و... در یک تحلیل اولیه موجب درک و آگاهی و نیز مشارکت و اعتماد احاد جامعه نسبت به یکدیگر شده که نتیجه آن را باید در دوام انقلاب اسلامی جست‌وجو نمود:

«خداوند متعال برای آن کسانی که وعده نصرت داده است، شرطی مقرر فرموده است... خداوند متعال چهار شاخص را در این آیه شریفه برای آن مؤمنانی که قدرت در اختیار آنها قرار می‌گیرد و از

درنگ



بیانیه گام دوم یک قرائت جدید از انقلاب است

■ **محسن ردادی** *

به این بیانیه باید از منظر گفتمانی نگریست. این بیانیه در حال ارائه یک گفتمان جدید از انقلاب اسلامی است. این متن کاملاً یک گفتمان را تبیین می‌کند و اگر انتظار داشته باشیم با یک متن سند چشم‌انداز گونه، راهبرد و راهکار، برنامه ۴۰ساله پیشرفت و مانند این مواجه باشیم حتماً اشتباه است. این متن به دنبال چنین هدف‌هایی نیست و فقط در حال ارائه یک گفتمان و نظم دادن به جهان اطراف است. آنتونیو گرامشی می‌گوید: «قدرت واقعی نظام حکومتی در خشونت طبقه حاکم یا قدرت عنف و جبر نیست بلکه در این است که کسانی که بر آنان حکومت می‌شوند مفهومی از جهان را پذیرفته‌اند که متعلق به طبقه حاکم است.»

این بیانیه در حال ارائه مفهومی از جهان است که جهان اطراف ما را معنادار کند.

گفتمان را می‌توان گروهی از بیان‌ها دانست که امکان صحبت در‌ساره موضوعی خاص در لحظه به خصوصی از تاریخ را برای زبان راه می‌آورد. بر اساس نظر فوکو گفتمان راهی را که می‌توان درباره یک موضوع با حفظ معنی صحبت و تعقل کرد را تعیین می‌کند. گفتمان عوامل گوناگون اجتماعی تکنیکی نهادی گروه‌های اجتماعی و دستگاه‌های فکری را به هم پیوند می‌دهد. این بیانیه نیز در حقیقت در حال فراهم کردن یک بستر گفتمانی برای گفت‌وگو است. در چارچوب این گفتمان انقلابی، نیروهای انقلابی می‌توانند روایت در‌ست و اردتوکس از تاریخ ایران و تاریخ جمهوری اسلامی دریافت کنند و دشمنان و دوستان را با معیارهای این بیانیه بشناسند و رفتار خود را در عرصه سیاست و اقتصاد و جامعه تنظیم کنند. این بیانیه دو‌گانه‌هایی را تبیین می‌کند که خیلی مهم و اساسی و راهگشاست. برخی از این دو‌گانه‌ها عبارتند از: آرمان و واقعیت / انقلاب و نظام / عدالت و پیشرفت / فاصله وضع موجود و آرمان‌های انقلاب. از طرف دیگر مثل همه گفتمان‌ها از برخی کلیدواژه‌های خاص استفاده می‌کند که به بسط گفتمان کمک می‌کند. در بیانیه این کلیدواژه‌ها و کلمات به کار رفته است: کودتایی بودن پهلوی، انقلاب هند، جابه‌جایی خدمت و ثروت، زهد انقلابی، شیطان حرص، طهارت اقتصادی و...

اول اینکه چه نیازی به گام دوم و گفتمان جدید از انقلاب اسلامی داریم؟ پاسخ این است که اولاً چون موقعیت جمهوری اسلامی عوض شده باید گفتمان جمهوری اسلامی گفتمان جدیدی از انقلاب اسلامی ارائه دهد. رهبری در این بیانیه موقعیت جدید را اینگونه شرح می‌دهد: «گسran روز چالش با امریکا بر سر کوتاه کردن دست عمال بیگانه یا تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی در تهران یا رسوا کردن لانه جاسوسان و مرزهای رژیم صهیونیستی ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع امریکا از منطقه غرب آسیا و حمایت جمهوری

اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته حزب‌الله و مقاومت در سراسر این منطقه است.» دوم اینکه بسیاری از کلمات و دال‌هایی که در گفتمان کلاسیک انقلاب وجود داشت اکنون دچار ابهام و دوبینی و دوپهلویی شده است. مثلاً امریکا، دشمن، انقلاب، پهلوی، سپاه پاسداران و سایر عناصر موجود در گفتمان انقلاب اسلامی کلاسیک وجود داشت و توسط افرادیکه از نزدیک جیات‌های امریکا و پهلوی را لمس کرده بودند به گونه‌ای فهم می‌شد که جوان امروز دهه هفتادی دیگر آن شناخت و فهم را ندارد. باید به گونه‌ای دیگر این مفاهیم را بازسازی کرد که ضمن سازگاری با گفتمان انقلاب اسلامی قابل فهم و درک برای جوان امروز باشد.

■ **سؤال دوم این است که این گفتمان چه می‌گوید؟**

اولاً روایتی از گذشته و حال انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی و جهان ارائه می‌کند؛ دوم اینکه دال‌های گفتمان کلاسیک انقلاب را جانمایی دوباره می‌کند. مثلاً با دقت در بیانیه اشکار می‌شود که علم و اقتصاد کاملاً به هسته مرکزی گفتمان نزدیک شده است و در گفتمان کلاسیک انقلاب اسلامی وجود نداشت. سوم اینکه دال‌های مرکزی همچنان حفظ شده اما به روز و فصل‌بندی دوباره شده‌اند و سعی شده غبار گفتمان‌های مختلف بر روی این دال‌ها نشسته بود که رهبری تلاش می‌کند این غبار را بزداید. مثلاً در نتیجه حضور و پیوند گفتمان تکنوکراسی و لیبرالیسم با گفتمان انقلاب اسلامی، حساسیت نسبت به استکبار و به تعبیر بهتر استکراسی‌تیزی کمرنگ شده بود که در این بیانیه تلاش می‌شود پررنگ و بازسازی شود.

■ **سؤال سوم این است که چه رفتاری باید با این متن داشت؟**

ابتدا باید این بیانیه را تقدس‌زایی کرد. این بیانیه مقدس نیست و باید مورد نقد بگیرد، چون به گسترش و بسط این گفتمان که هدف از نگارش متن نیز همین است کمک می‌کند. حتماً گفت‌وگو و نقد درباره بیانیه به نفع ترویج این گفتمان است.

همانطور که حاشیه نوشتن بر عروت الوقی باث گسترش فقه و گفتمان فقه شده است. علاوه بر نقد لازم است دست به تکثیر گفتمانی بزنیم. نباید به متن محدود شد و با عبور از کلمات و واژه‌ها به گسترش دادن گفتمان بپردازیم و دال‌های این گفتمان را ترویج نماییم. مهم است که از این متن انتظار عمل و اجرا نداشته باشیم. تبدیل این متن به قانون و مصوبه و سند بالادستی یک قاجعه و نابود کردن است. اصلاً نباید این متن به صحنه رسمی راه پیدا کند و باید همچنان محیط بر کل روابط و قوانین و قواعد باشد. نباید با این متن به عنوان چشم‌انداز ۴۰ ساله رفتار کرد. نباید به دنبال راهبرد و راهکار برای اجرایی شدن آن رفت، چون این متن برای رسیدن به این هدف نوشته نشده است.

■ **عضو پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی**